

The Effect of Providing Integrated Information of Financial statements on on Investors' judgment and Decision Making: a Quasi-Experimental Approach

saber sheri¹ | Mohammad Hassan Ebrahimi Sarv Olya² | Qasem Bolo³ | vahid eftekhari⁴

Abstract

The purpose of this research is to investigate the effect of the presentation of financial statement information on the judgment and decision-making process according to the role of the integrity of financial items using a quasi-experimental approach. The hypotheses of the research were developed based on the theory of cognitive load, based on this theory, the way information is presented can affect the cognitive effort of information users. In order to check the hypotheses of this research, according to the limited attention of investors, the accrual anomaly items and the functional fixation of profit, the within-subject method was used. In this research, the current presentation pattern of financial statements has been compared with the presentation pattern along with the disclosure of additional information of profit elements under the profit and loss statement (which is called the integrated pattern in this research). Analysis of variance and Mann-Whitney test were used to analyze the data. The results of data analysis show that the model of integrated presentation has an effect on the judgment and decision of investors by reducing cognitive effort and this model improves the judgment and decision of investors.

Keywords: Judgment and decision making, cognitive effort, information integrated model, accruals anomalies.

2

Vol. 1
Summer 2024



Research Paper

Received:
31 August 2022

Accepted:
25 October 2022

P.P: 41-70



1. Associate Professor of accounting, Faculty of management and accounting . Allameh Tabatabai University.

2. Associate professor of Financial Management, Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabatabai university.

3. Associate Professor of accounting, Faculty of management and accounting . Allameh Tabatabai University.

4. Corresponding Author, Associate Professor of accounting, Faculty of management and accounting Allameh Tabatabai University. vahid.eftekhari.90@gmail.com

9

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



سال اول
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۰۳

صص: ۷۰-۴۱



تأثیر ارائه اطلاعات یکپارچه صورت‌های مالی بر فرایند قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران با استفاده از رویکرد شبه آزمایشی

صابر شعری آناقیز^۱ | محمدحسن ابراهیمی سرو علیا^۲ | قاسم بولو^۳ | وحید افتخاری^۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر چگونگی ارائه اطلاعات صورت‌های مالی بر فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری باتوجه به نقش یکپارچگی اقلام مالی با استفاده از رویکرد شبه‌آزمایشی است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نظریه بار شناختی تدوین شده که بر اساس این نظریه چگونگی ارائه اطلاعات می‌تواند بر تلاش شناختی استفاده‌کنندگان اطلاعات تأثیر بگذارد. برای بررسی فرضیات پژوهش باتوجه به سویه توجه محدود سرمایه‌گذاران، ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و تثبیت کارکردی سود از روش درون آزمودنی استفاده شده است. آزمایش مربوط طوری طراحی شده است که با دست‌کاری پایداری سود اقدام به بررسی فرضیات پژوهش شود. در این پژوهش الگوی ارائه فعلی صورت‌های مالی با الگوی ارائه همراه با افشای اطلاعات اضافی عناصر سود ذیل صورت سود زیان (که در این تحقیق الگوی یکپارچه نامیده می‌شود) با یکدیگر مقایسه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تجزیه و تحلیل واریانس و آزمون من - ویتنی استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که الگوی ارائه یکپارچه بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران از طریق کاهش تلاش شناختی تأثیرگذار بوده و این الگو باعث بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قضاوت و تصمیم‌گیری، تلاش شناختی، الگوی یکپارچه اطلاعات، ناهنجاری‌های اقلام تعهدی.

۱. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. accountingsheri@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Ghblue20@yahoo.com

۴. نویسنده مسئول، دکترای حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Vahid.eftekhari.90@gmail.com



مقدمه

با رشد روزافزون بازارهای اوراق بهادار و جدایی مدیریت از مالکیت، ذی‌نفعان مختلف برای تصمیم‌گیری‌های خود به جستجوی اطلاعات می‌پردازند. از این‌رو یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی در اختیار آن‌ها صورت‌های مالی منتشرشده توسط شرکت‌ها است. ازسوی دیگر روان‌شناسان و اقتصاددانان اعتقاد دارند که بحث تصمیم‌گیری فرایندی شناختی است که به انتخاب از میان مجموعه‌ای از گزینه‌ها منجر می‌شود. از آنجا که فرایند تصمیم‌گیری به ماهیت و محتوای اطلاعات و همچنین چگونگی ارائه اطلاعات بستگی دارد، همواره این نگرانی هست که تصمیم‌گیرندگان با توجه به محدودیت انسان در پردازش اطلاعات قادر به تحلیل اطلاعات نباشند. با توجه به محدودیت انسان در پردازش اطلاعات، نظریه پردازان اقتصادی و روان‌شناسی به بررسی تأثیر اطلاعات بر قضاوت و تصمیم افراد پرداخته‌اند. بر همین مبنا اغلب اقتصاددانان برای توضیح رفتار افراد در رویارویی با چگونگی ارائه‌های گوناگون از نظریه علامت‌دهی^۱ استفاده می‌کنند. براساس این نظریه، تفاوت در جایگاه و توصیف اطلاعات ممکن است یک سیگنال را به تصمیم‌گیرندگان در ارتباط با اهمیت این اطلاعات مخابره کند.

با این حال، برخلاف نظریه‌های اقتصادی که بر اساس آن باید اطلاعات محتوای اطلاعاتی داشته باشد، در نظریه‌های روان‌شناسی اگر اطلاعات هیچ ارزش‌افزوده‌ای نیز از لحاظ محتوای اطلاعاتی نداشته باشد باز هم چگونگی ارائه می‌تواند از طریق سهولت در پردازش اطلاعات و تأثیر بر فرایند تلاش شناختی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. بر همین اساس روان‌شناسان به بررسی فرایند قضاوت و تصمیم‌گیری پرداخته‌اند که در این حوزه نظریه‌های گوناگونی از جمله نظریه بار شناختی، نظریه علامت‌دهی، نظریه برتین^۲، نظریه تناسب شناختی^۳، نظریه هزینه و منفعت^۴ مطرح شده است که اغلب این نظریه‌ها به اهمیت چگونگی ارائه اطلاعات در کاهش تلاش شناختی اشاره کرده‌اند.

در حوزه اقتصادی نیز شاخه مالی رفتاری^۵، به‌عنوان یکی از شاخه‌های نوین علوم مالی،

1. Signaling Theory
2. Bertin's Theory
3. Cognitive fit theory
4. Cost-Benefit Theory
5. Behavioral Finance

مفروضات منطقی یادشده را با بنیان‌های رفتاری قابل استنادتری جایگزین می‌کند. از دید مالی رفتاری، مفروضات بنیادی در مورد رفتار انسان اقتصادی، شامل منفعت شخصی کامل، عقلانیت کامل و تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات کامل، با چالش روبه‌رو است (پمپین، ۲۰۰۶). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انسان در رویارویی با رویدادهای مختلف همواره به‌صورت عقلایی تصمیم‌گیری نمی‌کند و رفتار او سوگیری‌های رفتاری گوناگونی دارد. بر مبنای پژوهش‌های این حوزه، سرمایه‌گذاران بر مبنای دانش و تجربه خود به‌دنبال یک سری اطلاعات خاص بوده و به کل اطلاعات صورت‌های مالی توجه نمی‌کنند.

ازسوی دیگر، مدیران شرکت به‌عنوان تهیه‌کنندگان این اطلاعات از این موضوع آگاه هستند؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که آن‌ها نیز از طریق چگونگی ارائه اطلاعات بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارند. تدوین‌کنندگان استاندارد با علم به این موارد سعی کرده‌اند با ملزم کردن شرکت‌ها به ارائه صورت‌های مالی در مقاطع مختلف زمانی، برای حمایت از سرمایه‌گذاران تدبیری بیندیشند. با این حال، پژوهش‌های اخیر حکایت از این دارد که صورت‌های مالی کنونی تصویر منسجم و کاملی از عملکرد شرکت را به نمایش نمی‌گذارد (کمیته مشورتی فنی، ۲۰۰۹) (ITAC)^۱. ازسوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد که درک صورت‌های مالی دشوار است و این دشواری گاهی اوقات به اضافه‌بار افشا^۲ تعبیر می‌شود. در ارتباط با این موضوع بسیاری بر این باورند که مشکل اضافه‌بار اطلاعاتی نیست، بلکه شکست در فیلترکردن است (ژینگ لی، ۲۰۱۴). بر همین اساس در سال‌های اخیر پژوهشگران حوزه تحقیقات قضاوت و تصمیم‌گیری سعی کرده‌اند با تغییر و تکمیل الگوهای ارائه اطلاعات به افزایش کیفیت تصمیم‌گیری اقدام کنند.

با عنایت به مسائل روان‌شناختی پیرامون درک و بکارگیری اطلاعات صورت‌های مالی توسط استفاده‌کنندگان از یک‌سو، و ارائه الگوی جدید ازسوی محققان ازسوی دیگر، هدف این پژوهش بررسی شبه‌آزمایشی تأثیرگذاری تغییر الگوی یادشده بر قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. از آنجا که هدف از ارائه صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان، یاری‌رساندن به آنها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی پیرامون سازمان است، بررسی اثرگذاری تغییرات در الگوی

1. Technical Advisory Committee
2. Disclosure Overload

ارائه صورت‌های مالی بر قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اهمیت فراوان دارد. با توجه به تغییر اخیر در الگوی ارائه صورت‌های مالی در بازار سرمایه، بستری مناسب برای این پژوهش فراهم شده تا اثربخشی الگوی یکپارچه مورد ارزیابی قرار گیرد. علاوه بر اهمیتی که نتایج این پژوهش در ارزیابی تغییر صورت‌گرفته در الگوی ارائه صورت‌های مالی دارد، این تحقیق به افزایش غنای ادبیات حسابداری رفتاری در داخل کشور منجر می‌شود. هم‌چنین در مقایسه با رویکردهای مرسوم در پژوهش‌های داخلی، رویکرد شبه‌آزمایشی به‌کاررفته در این پژوهش به کسب شواهد نو و دست‌اولی پیرامون اثربخشی تغییرات در الگوی ارائه صورت‌های مالی منجر می‌شود.

مبانی نظری و مرور پیشینه

صورت‌های مالی به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی گذشته و آینده شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از سرمایه‌گذاران فعلی و بالقوه شرکت، اعتباردهندگان و دیگر استفاده‌کنندگان مستقیماً نمی‌توانند به شرکت‌ها مراجعه کرده و اطلاعات را دریافت کنند؛ بنابراین آن‌ها از اطلاعات صورت‌های مالی برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود استفاده می‌کنند. همان‌طور که در چارچوب نظری استانداردهای حسابداری بیان شده است، صورت‌های مالی هسته اصلی تجزیه و تحلیل شرکت‌ها است؛ به‌طوری‌که هدف صورت‌های مالی کمک به سرمایه‌گذاران در برآورد ارزش شرکت بوده نه اینکه صورت‌های مالی ارزش شرکت را نشان دهد.

از این‌رو در غیاب یک شاخص واضح برای تعیین ارزش شرکت، سرمایه‌گذاران مجبورند بر اطلاعات ارائه‌شده توسط شرکت تمرکز کنند. ازطرفی آن‌ها با طیف گسترده‌ای از اطلاعات روبه‌رو هستند و ازطرف دیگر، موضوع سرمایه‌گذاری کاری بسیار پیچیده است. در شرایطی که سرمایه‌گذاران با طیف گسترده‌ای از اطلاعات روبه‌رو هستند، مزایای چگونگی ارائه اطلاعات بسیار شایان توجه خواهد بود. توانایی سرمایه‌گذاران در درک اطلاعات مالی رابطه مستقیم با چگونگی ارائه اطلاعات دارد و به خود اطلاعات مربوط نیست. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که الگوی ارائه اطلاعات تأثیر اضافه‌بار اطلاعاتی را کاهش داده و هم‌چنین باعث کاهش تلاش شناختی و بهبود شیوه فکر کردن می‌شود. بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی جایگاه ارائه اطلاعات در

متن یا یادداشت‌های صورت‌های مالی می‌پردازند (بولفیلد و همکاران^۱، ۲۰۱۰).

بر مبنای مطالعه والر و فلیکس (والر و فلیکس^۲، ۱۹۸۴) صورت‌های مالی ساختاری فهرست‌وار و طبقه‌بندی‌شده را ایجاد می‌کند که بر مبنای آن استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی دانش خود را شکل می‌دهند. بر مبنای موارد بیان‌شده اگر اطلاعات مالی به‌صورت مناسب در جایگاه خود ارائه نشود، نمی‌تواند تأثیر مثبتی بر قضاوت و تصمیم بگذارد؛ بنابراین حافظه کاری^۳ مجبور خواهد شد که یک بار دیگر اطلاعات مالی را فرموله کند. این امر باعث افزایش تلاش شناختی به‌صورت غیر کارا شده و بر کیفیت قضاوت و تصمیم تأثیر می‌گذارد. هاپکینز^۴ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که طبقه‌بندی اطلاعات می‌تواند بر دانش دستیابی و استفاده از این اطلاعات تأثیر بگذارد. این همان موضوعی است که لوفت و شیلدز^۵ (۲۰۰۱) به آن اشاره می‌کنند؛ به‌طوری که آن‌ها بیان می‌کنند حسابداری می‌تواند بر فرایند آموزش خود تأثیر بگذارد. در این ارتباط، هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز باور دارد که تغییر شکل ارائه صورت‌های مالی سبب افزایش کیفیت استفاده از صورت‌های مالی می‌شود؛ هم‌چنین اعتقاد بر این است که الگوی ارائه مناسب باعث تقویت توانایی استفاده‌کنندگان در استفاده بهتر از نسبت‌های مالی می‌شود، چون آن‌ها با استفاده از شکل پیشنهادی ارائه‌شده بهتر می‌توانند ارتباط میان اطلاعات مالی را تشخیص دهند.

یکی از پژوهش‌ها که در این حوزه انجام شده است تحقیق اسلوان (۱۹۹۶) است. او به بررسی پایداری عناصر سود پرداخت و به این نتیجه دست یافت که عناصر سود از لحاظ پایداری متفاوت‌اند. او در پژوهش خود برخلاف دیگر تحقیقات که به بررسی توانایی سود جاری در پیش‌بینی جریان نقد آینده می‌پرداختند، به بررسی توانایی سود جاری در پیش‌بینی سود آینده پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که عناصر سود از لحاظ پایداری متفاوت هستند؛ به‌طوری که بخش نقدی نسبت به بخش تعهدی از پایداری بیشتری برخوردار است. یکی از دلایل این موضوع این است که بخش تعهدی بر مبنای فروض و برآوردهایی است که این فروض ممکن است در

1. Bloom field et al
2. Waller & Felix
3. Working Memory
4. Hopkins
5. Luft & Shields

آینده نیازمند اصلاح باشد؛ هم‌چنین او تأثیر بخش نقدی و غیر نقدی سود بر روی قیمت سهام را نیز مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش او نشان داد که اقلام تعهدی به‌صورت منفی بر روی بازده تأثیر می‌گذارد. دلیل این موضوع این است که سرمایه‌گذاران به ماهیت زودگذر اقلام تعهدی توجه نکرده و بر همین اساس در هنگام پیش‌بینی، وزن بیشتری به پایداری بخش تعهدی داده و در نقطه مقابل وزن کمتری به پایداری بخش نقدی سود می‌دهند.

این همان موضوعی است که در پژوهش‌ها تحت عنوان ناهنجاری‌های اقلام تعهدی یاد می‌شود. اسلوان علاوه بر توجیه فوق به این موضوع اشاره می‌کند که سرمایه‌گذاران تمایل دارند که تنها بر رقم سود گزارش شده تمرکز کرده و بر اساس همین رقم تصمیم‌گیری کنند. درنهایت او نتیجه گرفت که جداسازی عنصر نقدی و تعهدی سود برای سرمایه‌گذاران مشکل است. در مالی رفتاری این موضوع به‌عنوان سوپیه توجه محدود سرمایه‌گذاران یاد می‌شود. پژوهشگران در تحقیقات گوناگون نیز این موضوع را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه‌گذاران تنها بر روی رقم سطر آخر سود و زیان تمرکز می‌کنند. به این موضوع که افراد تمایل دارند از اطلاعات صرف‌نظر کرده و تنها به یک بخش (نقطه) از اطلاعات توجه کنند، تثبیت کارکردی گفته می‌شود. در حسابداری نیز، زمانی که سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری خود فقط بر روی رقم سود خالص تمرکز می‌کنند، تمرکز بیش از حد به سود گفته می‌شود (هند، ۱۹۹۰).

ازسوی دیگر سرمایه‌گذاری که شرکت را تنها بر مبنای رقم سود ارزیابی می‌کنند، ممکن است تصمیمات غیر بهینه بگیرند. رقم سود ممکن است دستخوش بسیاری از تغییرات گردد که امکان مقایسه آن میان سال‌های مختلف را تغییر دهد. برای مثال تغییر روش استهلاک و یا تغییر روش شناسایی دارایی موجب می‌شود که نتوان سود را در طول سال‌های مختلف مقایسه کرد. بوش (۲۰۰۱) نشان داد که برخی از سرمایه‌گذاران نهادی انگیزه دارند که به مدیران شرکت‌ها فشار بیاورند تا سرمایه‌گذاری در هزینه‌های تحقیق و توسعه (R & D) را کاهش دهند، تا از این طریق سود شرکت را به‌صورت کوتاه‌مدت افزایش دهند.

بنابراین چنین انتظار می‌رود که ازطریق بهبود چگونگی ارائه صورت‌های مالی، توجه سرمایه‌گذاران به بحث ناهنجاری‌های اقلام تعهدی جلب شده و از این طریق تأثیر ناهنجاری‌های

تعهدی و تمرکز بیش از حد کاهش یابد. از این رو در این پژوهش سعی شده است با استفاده از طرح شبه آزمایشی تأثیر چگونگی ارائه‌های مختلف صورت‌های مالی در کاهش تأثیر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و تمرکز بیش از حد بررسی شود.

مطالعات اولیه رفتاری در حسابداری تنها بر روی محتوای اطلاعات حسابداری توجه داشتند و از تمرکز بر روی چگونگی ارائه اطلاعات پرهیز می‌کردند. با این حال، رشد مطالعات پیرامون چگونگی ارائه در سال‌های اخیر نشان از اهمیت آن بر تصمیم‌گیری دارد. غنی و همکاران (۲۰۰۹) پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه چگونگی ارائه را به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده‌اند.

رفتار جست‌وجو^۱

پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با چگونگی ارائه به مبحث رفتار جست‌وجو پرداخته‌اند. در این تحقیقات به بررسی دو موضوع چگونگی کسب اطلاعات توسط تصمیم‌گیرندگان و مقدار اطلاعات کسب‌شده توسط آن‌ها پرداخته شده است. از لحاظ روش‌شناسی تحقیق، این حوزه از پژوهش‌ها به یکدیگر شبیه هستند. به‌طوری که از دانشجویان به‌عنوان شرکت‌کنندگان خواسته شده تا با استفاده از انواع مختلف چگونگی ارائه، تصمیم‌گیری کنند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چگونگی ارائه هم از لحاظ کمیت اطلاعات و هم شیوه دستیابی به اطلاعات بر رفتار جست‌وجوی تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند هم پیامد مثبت و هم پیامد منفی داشته باشد؛ هم‌چنین رفتار جست‌جوگرانه بین تصمیم‌گیرندگان حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای متفاوت است و دلیل این امر نیز تفاوت در دانش و مهارت آن‌ها است (هیرست و هاپکینز^۲، ۱۹۹۸). هر دو گروه حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای تصمیم‌گیرندگان به پیروی از راه و روش‌های خاصی گرایش دارند، به‌طوری که تصمیم‌گیرندگان حرفه‌ای از یک روش مستقیم استفاده می‌کنند و در این روش آن‌ها از صفحه‌ای به صفحه دیگر از صورت‌های مالی گذر کرده و به دنبال دستیابی به مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط هستند. در مقابل، تصمیم‌گیرندگان غیر حرفه‌ای از یک روش ترکیبی^۳ استفاده کرده و گزارشات را خط به خط مطالعه می‌کنند (باومند^۴، ۱۹۸۲). پژوهشی که توسط هرست و

1. Search behaviour
2. Hirst and Hopkins
3. Sequential search method
4. Bouwman

هاپکینز (۱۹۹۶) در این باره انجام شده، نشان می‌دهد که تحلیل‌گران حرفه‌ای از اطلاعات گذشته‌نگر صرف‌نظر می‌کنند؛ در حالی که ممکن است تحلیل‌گران غیر حرفه‌ای به این اطلاعات وزن بیشتری بدهند. ازسوی دیگر، با توجه به روشی که سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای برای مطالعه صورت‌های مالی انتخاب کرده‌اند، ممکن است نتوانند به اطلاعات مربوط صفحه‌های آخر صورت‌های مالی در زمان معین دست یابند؛ بنابراین اگر اطلاعات مربوط صورت‌های مالی بر مبنای یک نحوه ارائه مناسب برجسته شود، می‌تواند به سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای کمک کند تا بهتر تصمیم‌گیری کنند.

واکنش مؤثر^۱

واکنش‌های مؤثر به تغییر در تصمیم یا خلق و خوی شرکت‌کنندگان بعد از تأثیرپذیری از موضوعی خاص اشاره می‌کند. در واکنش مؤثر به شرکت‌کنندگان مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد چگونگی ارائه داده می‌شود و سپس این موضوع بررسی می‌شود که آیا چگونگی ارائه در تصمیم آن‌ها تغییری ایجاد کرده است.

مارتین و همکاران (۱۹۹۳) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا حالات روحی و روانی افراد قبل از انجام یک آزمایش بر تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آن‌ها برای بررسی این موضوع قبل از انجام آزمایش به شرکت‌کنندگان یک کلیپ را نشان دادند. نتایج آزمایش آن‌ها نشان داد که شادبودن و غمگین‌بودن افراد قبل از آزمایش بر تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. هم‌چنین هیرت و همکاران^۲ (۱۹۹۷) نشان دادند که حالات روحی شرکت‌کنندگان (شاد یا ناراحت‌بودن) بر تلاش و راهبردهایی که آن‌ها در آزمایش انتخاب می‌کنند تأثیرگذار است؛ هم‌چنین کیدا و اسمیت (۱۹۹۵) نشان دادند که چگونگی ارائه اطلاعات می‌تواند در شکل‌دهی ذهنی به تصمیم‌گیرندگان کمک کند. به‌طور کلی پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است، حاکی که چگونگی ارائه بر روی واکنش مؤثر شرکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد.

دقت تصمیم‌گیری^۳

دقت تصمیم‌گیری به توانایی یک راهبرد در تولید نتیجه دقیق اشاره دارد. اغلب دقت

1. Affective Responses
2. Hirt et al
3. Decision accuracy

تصمیم‌گیری از طریق مقایسه نتایج با یک شاخص اندازه‌گیری می‌شود. پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است در جستجوی این موضوع هستند که آیا چگونگی ارائه می‌تواند باعث افزایش دقت تصمیم‌گیری شود. نتایج تحقیقات برخی پژوهشگران حاکی است که چگونگی ارائه باعث افزایش دقت تصمیم‌گیری می‌شود.

تلاش شناختی^۱

تلاش شناختی به مجموع مخارج صرف‌شده برای تکمیل یک وظیفه اشاره دارد. تلاش شناختی از طریق مجموع زمان صرف‌شده برای تصمیم‌گیری یا مجموع فعالیت‌های شناختی اندازه‌گیری می‌شود. از آنجا که انسان همواره به صورت ذاتی به دنبال روشی است تا فعالیت‌های خود را در زمان کمتری انجام دهد، تصمیم‌گیرندگان نیز به عنوان یک انسان همواره تمایل دارند روش‌هایی را بیابند تا از طریق این روش‌ها تلاش شناختی خود را برای حل یک مسئله کاهش دهند. از این رو مطالعات چگونگی ارائه نیز بر روی تلاش شناختی تمرکز کرده‌اند. به طور کلی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که چگونگی ارائه بر روی تلاش شناختی تأثیر می‌گذارد؛ البته مطالعاتی نیز هست که به نتایج متناقضی دست یافته‌اند. برای نمونه دال و همکاران^۲ (۲۰۰۳) به بررسی تأثیر چگونگی ارائه‌های مختلف بر روی قضاوت، پیش‌بینی و مقدار دستیابی به اطلاعات پرداختند. هم‌چنین آن‌ها زمان صرف‌شده توسط هر یک از شرکت‌کنندگان را اندازه‌گیری کردند. نتایج نشان می‌داد که در شرکت‌های کوچک رابطه معناداری میان زمان صرف‌شده و چگونگی ارائه وجود دارد، در حالی که در شرکت‌های بزرگ این چنین نیست.

بن بست و دکستر (۱۹۸۵) در پژوهش خود به بررسی تأثیر چگونگی ارائه گرافیکی و جدولی بر روی فرایند تصمیم‌گیری افراد پرداختند. آن‌ها دریافتند که شکل جدولی نسبت به شکل گرافیکی به تصمیم‌گیری سریع‌تری می‌انجامد؛ اما شکل گرافیکی هنگامی که محدودیت زمان وجود ندارد، عملکرد بهتری نسبت به شکل جدولی دارد. توتل و کرشا^۳ (۱۹۹۸)، نیز دریافتند استفاده از شکل جدولی در مقایسه با شکل گرافیکی سرعت را افزایش می‌دهد.

1. Cognitive effort

2. Dull et al

3. Tuttle & Kershaw

تثبیت عملکرد^۱

تثبیت عملکرد به این موضوع اشاره دارد که یک شخص معنا و مفهومی را به یک عنوان یا یک موضوع اختصاص می‌دهد و قادر به تشخیص دیگر معناها و کاربردهای جایگزین برای آن موضوع نیست. در حسابداری تثبیت عملکرد زمانی به وجود می‌آید که تصمیم‌گیرنده نمی‌تواند تفاوت‌های ناشی از پذیرش روش‌های گوناگون حسابداری را درک کند (لیبی و همکاران^۲، ۲۰۰۲). نتایج مطالعات مختلفی که در این حوزه انجام شده نشان می‌دهد که تثبیت عملکرد در حسابداری زمانی وجود دارد که یک شرکت با دو گزینه افشای فاصله در متن صورت‌های مالی و یا افشا در یادداشت‌های پیوست روبه‌رو است. مطالعات متعددی به بررسی تثبیت عملکرد پرداخته و نشان داده‌اند که برای کاهش این امر باید از سازوکار چگونگی ارائه و آموزش استفاده کرد. هاگ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که چگونگی ارائه به راه‌حلی بالقوه برای کاهش تثبیت عملکرد منجر می‌شود.

ازسوی دیگر در سال‌های اخیر، مطالعات چگونگی ارائه افزایش یافته است. هاگ (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان داد که استفاده از هایپرلینک کردن اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی‌نشده نسبت به صورت‌های مالی حسابرسی‌شده باعث افزایش تأثیر تمرکز بیش از حد می‌شود. اگرچه آگاه‌کردن سرمایه‌گذاران در ارتباط با حسابرسی و غیر حسابرسی بودن صورت‌های مالی باعث کاهش این اثر می‌شود؛ هم‌چنین هاگ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که وقتی، روش حسابداری اختیار سهام میان شرکت‌ها متفاوت است، استفاده از xbrl باعث می‌شود که استفاده‌کنندگان غیر حرفه‌ای اطلاعات را راحت‌تر کسب کنند.

هویت^۳ (۲۰۰۹) به بررسی این موضوع پرداخت که چه چیزی باعث افزایش عدم توانایی سرمایه‌گذاران در درک کامل‌تر تمایز میان بخش نقدی و تعهدی سود می‌شود. وی برای بررسی این موضوع، چگونگی ارائه اطلاعات را تغییر داد و در ذیل صورت سود و زیان عناصر نقدی و تعهدی سود را افشا کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که با این جداسازی دقت پیش‌بینی سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد.

1. Functional Fixation

2. Libby et al

3. Hewitt

غنی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا استفاده از یک فرمت ارائه دیجیتال (شامل pdf، Html، Xbrl)، می‌تواند باعث غلبه بر اثر تمرکز بیش از حد شود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که استفاده از فرمت ارائه نمی‌تواند باعث کاهش تمرکز بیش از حد شود. در پژوهشی مشابه، کلتون و پنینگ تن^۲ (۲۰۱۲) دریافتند که استفاده کنندگان زمانی که اطلاعات به صورت هایپرلینک است، نسبت به حالتی که اطلاعات کاغذی است در رویارویی با یک موضوع سرمایه‌گذاری تلاش شناختی کمتری می‌کنند، اما آن‌ها به شواهدی مبنی بر وجود یک ارتباط معنادار میان تصمیم و چگونگی ارائه دست نیافتند.

کلار - پروال و همکاران^۳ (۲۰۱۳) نشان دادند که جداسازی اطلاعات ارزش منصفانه به صورت یک ستون جدا در صورت سود و زیان نه تنها به سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای در درک اطلاعات ارزش منصفانه کمک می‌کند؛ بلکه به قضاوت آن‌ها پیرامون نسبت قیمت به سود (P/E) و هم چنین بر آورد سود نیز یاری می‌رساند.

ژینگ^۴ (۲۰۱۴) با توجه بر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و تمرکز بیش از حد و تکیه بر کار مشترک دو هیئت استاندارد حسابداری بین‌المللی و هیئت استانداردهای حسابداری آمریکا به بررسی این موضوع پرداخت که آیا افشای بخش نقدی سود در ذیل صورت سود و زیان و افزایش یکپارچگی میان صورت‌های مالی از این طریق می‌تواند به سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای در درک بهتر صورت‌های مالی یاری رساند. وی از طریق یک طرح آزمایشی دریافت که تغییر شکل ارائه می‌تواند ارزیابی خطرپذیری سرمایه‌گذاران را بهبود بخشیده و هم چنین باعث بهبود عملکرد تصمیم و قضاوت آن‌ها شود.

خوش طینت (۱۳۷۷) در پژوهش خود با عنوان اثرات ارائه صورت‌های مالی بر قضاوت سرمایه‌گذاران به بررسی نقش ذهنیت‌گرایی سرمایه‌گذاران در مورد پیش‌بینی سود شرکت‌ها و اینکه آیا استفاده از اطلاعات حسابداری مالی می‌تواند سبب حذف یا کاهش ذهنیت‌گرایی سرمایه‌گذاران شود پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که یکی از راه‌های کم‌اثر کردن یا حذف

1. Ghani et al
2. Kelton & Pennington
3. Clar-Proell et al
4. Zingg

این ذهنیت‌گرایی، راهنمایی و ارائه اطلاعات در قضاوت رخدادهای آینده است. خوش‌طینت و باغومیان (۱۳۸۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر چگونگی ارائه و میزان پردازش اطلاعات بر کیفیت تصمیم‌گیری پرداختند، آن‌ها برای بررسی این موضوع به مقایسه کیفیت تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات عددی پردازش‌نشده، با تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات گرافیکی پردازش‌نشده، از لحاظ آماری پرداختند. نتایج نشان داد که این دو مورد از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری دارد؛ به‌طوری که کیفیت تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات گرافیکی بهتر از کیفیت تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات عددی است.

در مجموع، مروری بر نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که صورت‌های مالی فعلی در هنگام استفاده نیازمند اصلاحات است؛ به‌طوری که بسیاری از استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری خود اقدام به اصلاح الگوی ارائه صورت‌های مالی می‌کنند؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که صورت‌های مالی مرسوم ابزار ارزیابی مناسبی نیستند. از این‌رو نهادهای مختلف استانداردگذار در سال‌های اخیر به بررسی این موضوع پرداخته‌اند تا تغییراتی را در چگونگی ارائه اطلاعات مالی ایجاد کنند. سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی نیز در سال گذشته اقدام به تغییر چگونگی ارائه صورت‌های مالی کردند تا از طریق افزایش دقت تصمیم و کاهش تلاش شناختی بر کیفیت قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارند. ازسوی دیگر در این پژوهش سعی شده است که با افزایش یکپارچگی صورت‌های مالی، کیفیت تصمیم افزایش یابد از این‌رو چنین انتظار می‌رود که طبقه‌بندی یکپارچه صورت‌های مالی بر فرایند تحویل، ارزیابی و وزن‌دادن به اطلاعات تأثیر گذاشته و از این طریق قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار گیرد.

فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به نظریه‌ها و ادبیات تحقیق مطرح‌شده، سرمایه‌گذاران با استفاده از منابع مختلفی اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند، صورت‌های مالی یکی از بهترین منابع اطلاعاتی در رابطه با وضعیت شرکت است. شرکت‌ها با استفاده از هر یک از صورت‌های مالی خود اطلاعات گوناگونی را به بازار سرمایه مخابره می‌کنند، به‌طوری که سرمایه‌گذاران باید به هر یک از صورت‌های مالی به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی نگریسته که حاوی اطلاعات خاصی است. این اطلاعات شامل منابع

اقتصادی، ادعا نسبت به این منابع و نهایتاً تغییر در وجه نقد یک دوره است. از این رو هیچ‌یک از صورت‌های مالی به تنهایی نمی‌تواند اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران را برای پیش‌بینی جریان نقد آینده و همچنین ارزیابی شرکت فراهم آورد. پژوهش‌های مختلفی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که سرمایه‌گذاران بیشتر از کدام‌یک از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اغلب سرمایه‌گذاران اعتقاد دارند که دو صورت مالی مهم و اساسی که بر تصمیمات و قضاوت آن‌ها تأثیر می‌گذارد، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد است (دچو و اسکراند، ۲۰۰۴).

همانطور که اشاره شد اسلوان در سال ۱۹۹۶ در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که بخش تعهدی سود نسبت به بخش نقدی از پایداری کمتری برخوردار است. او این امر را ناشی از این موضوع دانست که بخش تعهدی بر مبنای برآوردها و فروضی است که این برآوردها ممکن است در آینده نیازمند اصلاح و تعدیل باشد. همچنین پژوهش او نشان داد که تأثیر هر یک از این بخش‌ها بر روی قیمت سهام متفاوت است، به‌طوری‌که بخش تعهدی به‌صورت منفی بر روی قیمت و بازده سهام تأثیر می‌گذارد. دلیل این امر نیز این است که سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری‌های خود به ماهیت زودگذر و موقتی ارقام تعهدی توجه نمی‌کنند و بر همین اساس هنگام پیش‌بینی‌های خود وزن و اهمیت بیشتری به بخش تعهدی سود و در نقطه مقابل وزن کمتری به بخش نقدی سود می‌دهند، این همان مفهوم ناهنجاری‌های ارقام تعهدی است که باعث می‌شود سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود گمراه شوند.

از سوی دیگر او در پژوهش خود به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود اغلب بر روی رقم سود صرف‌نظر از تعهدی یا نقدی بودن آن توجه می‌کنند و برای آن‌ها جداسازی بخش نقدی و غیر نقدی سود مشکل است. در پژوهش‌های حوزه مالی رفتاری به این موضوع تثبیت کارکردی سود یا تمرکز بیش از حد به سود گفته می‌شود (هند، ۱۹۹۰).

بنابراین قضاوت و تصمیم‌گیری بر مبنای تمرکز صرف بر روی رقم سود باعث خواهد شد که سرمایه‌گذاران تصمیمات غیر بهینه بگیرند، به‌طوری‌که ممکن است رقم سود، طی سال‌های مختلف دستخوش تغییرات گسترده‌ای شود، که این امر امکان مقایسه سود را طی سال‌های مختلف کاهش می‌دهد به‌عنوان مثال تغییر روش شناسایی دارایی، تغییر روش استهلاک و... موجب خواهد

شد نتوان سود را طی سال‌های مختلف مقایسه کرد.

بنابراین چنین انتظار می‌رود که از طریق بهبود چگونگی ارائه صورت‌های مالی توجه سرمایه‌گذاران به بحث ناهنجاری‌های اقلام تعهدی جلب شده و از این طریق تأثیر ناهنجاری‌های تعهدی و تمرکز بیش از حد کاهش یابد. از این‌رو در این پژوهش سعی شده با استفاده از طرح شبه‌آزمایشی تأثیر چگونگی ارائه‌های مختلف صورت‌های مالی در کاهش اثر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و تمرکز بیش از حد بررسی شود.

برای آزمون الگوهای گوناگون چگونگی ارائه در محیط شبه آزمایشی در این پژوهش به دست‌کاری یک عنصر اقدام شده است. عنصر مد نظر در این پژوهش پیش‌دریافت است. شناسایی درآمد یکی از مسائل مهم و اساسی است که کمیته‌های تدوین‌کننده استاندارد همواره با آن روبه‌رو بوده‌اند. یک شرکت به‌طور پیوسته با مشتریان خود برای فروش کالا و خدمات وارد قرارداد می‌شود. بر اساس ترتیبات قراردادی ممکن است یک شرکت قبل از اینکه تمام تعهدات خود را انجام دهد وجه نقد را دریافت کند. این وجه نقد دریافتی به‌عنوان پیش‌دریافت در ترازنامه گزارش می‌شود و پس از انجام تعهدات توسط شرکت، این درآمد تحقق‌یافته تلقی شده و به‌عنوان درآمد فروش دوره شناسایی می‌شود. در حسابداری به این دریافت‌ها، پیش‌دریافت گفته می‌شود. پرکاش و سینها (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی این موضوع پرداختند. آن‌ها دریافتند که تا سال ۲۰۰۲، ۳۸ درصد از شرکت‌های غیر مالی پایگاه داده کامپوست در ترازنامه‌های خود پیش‌دریافت را گزارش کرده و مقدار این رقم حدود ۲۱ درصد درآمد فروش سالانه این شرکت‌ها است.

هم‌چنین کیلر (۲۰۱۰) دریافت که در سال ۲۰۰۴، ۳۰٫۴ درصد از شرکت‌های غیر مالی پایگاه داده کامپوست پیش‌دریافت غیر صفر را گزارش کرده‌اند. این بدهی معمولاً در صنایع چاپ و صنایع با فناوری بالا گزارش شده است. به‌رغم اهمیت مسئله پیش‌دریافت پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که نبود اطمینان در ارتباط با این درآمدها میان تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی نیز وجود دارد. ارنست و یانگ (۲۰۰۷) در پژوهش خود به این موضوع پرداخته و نشان دادند که نتایج تجدید ارزیابی‌ها نشان‌دهنده وجود ابهام در قواعد شناسایی درآمد است و بیشتر این تجدید ارزیابی‌ها در شرکت‌های فناورانه اتفاق افتاده است.

با در نظر گرفتن پیش‌دریافت، حال سؤال این است که آیا سرمایه‌گذاران به موضوع این

درآمدها و تأثیر آن بر سود جاری و آینده توجه کرده‌اند. اگر درآمد به سال بعد منتقل شود اما هزینه‌ها در سال جاری تحقق یابد، آیا این عمل بر روی سود جاری تأثیر منفی ندارد و متعاقباً اگر در سال بعد این سود شناسایی شود، تأثیری مثبت بر روی سود ندارد. با توجه به این موضوع که یک سرمایه‌گذار نمی‌تواند تأثیرات مثبت و منفی این درآمدها را شناسایی کند، ممکن است ارزش شرکت را کمتر یا بیشتر برآورد کند و این تأثیر زمانی که بحث ناهنجاری‌های اقلام تعهدی، توجه محدود به سود و به‌طور ویژه بحث تمرکز بیش از حد مطرح می‌شود، برجسته‌تر خواهد شد. پژوهشهایی که به بحث در ارتباط با این درآمدها پرداخته‌اند، بسیار اندک است. کیلر (۲۰۱۰) نشان داده است که مدیران برای دستیابی به پیش‌بینی تحلیل‌گران اقدام به استفاده از ساختار این درآمدها می‌کنند.

ازسوی دیگر بر مبنای فرضیه تمرکز بیش از حد به سود و بحث ناهنجاری‌های اقلام تعهدی، چنین انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاران در ارتباط با شرکت‌هایی که پیش‌دریافت آن‌ها کاهش یافته، نسبت به شرکت‌هایی که پیش‌دریافت آن‌ها زیاد شده، نمی‌توانند تصمیم بهینه بگیرند. در این پژوهش برای انجام آزمایش فرض شده است که کاهش در پیش‌دریافت با افزایش در اقلام تعهدی همراه است که این امر پایداری سود را کاهش داده و بر مبنای ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و فرضیه تمرکز بیش از حد، سرمایه‌گذاران در تشخیص این موضوع ناتوان هستند؛ زیرا آن‌ها تنها بر روی سود تمرکز کرده و از اطلاعاتی که در اقلام تعهدی است صرف‌نظر می‌کنند.

مطالعات اخیر که در ارتباط با تمرکز بیش از حد انجام شده است به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه می‌توان تأثیر تمرکز بیش از حد را کاهش داد. در همین راستا کینگ و گوپتا (۱۹۹۷) و والر و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که آموزش باعث کاهش تأثیر تمرکز بیش از حد خواهد شد؛ اما پژوهش هاپکینز (۱۹۹۶) و هاپکینز و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد که حتی تحلیل‌گران خبره که دارای دانش کافی بودند هنگام پیش‌بینی قیمت سهام گرفتار تأثیر تمرکز بیش از حد شده‌اند. ازسوی دیگر هرست و هاپکینز (۱۹۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که اگر صورت‌های مالی تجدید فرمت شود، مثلاً جداسازی سود به بخش نقدی و تعهدی می‌تواند باعث کاهش تأثیر تمرکز بیش از حد شود؛ هم‌چنین هاگ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که وقتی، روش حسابداری اختیار سهام میان شرکت‌ها متفاوت است، استفاده از xbrl باعث می‌شود که استفاده‌کنندگان غیر

حرفه‌ای اطلاعات را راحت‌تر به‌دست آورند. هوویت (۲۰۰۹) به بررسی این موضوع پرداخت که چه چیزی باعث افزایش عدم توانایی سرمایه‌گذاران در درک کامل‌تر تمایز میان بخش نقدی و تعهدی سود می‌شود. او برای بررسی این موضوع، چگونگی ارائه اطلاعات را تغییر داد و در ذیل صورت سود و زیان عناصر نقدی و تعهدی سود را افشا کرد. نتایج پژوهش او نشان داد که با این جداسازی دقت پیش‌بینی آن‌ها افزایش می‌یابد. پژوهشهای فوق نشان می‌دهد که تغییری کوچک در چگونگی ارائه اطلاعات می‌تواند باعث کاهش تلاش شناختی و کاهش تأثیر تمرکز بیش از حد شود.

بنابراین باتوجه به مطالب بیان‌شده، کاهش و افزایش در پیش‌دریافت باتوجه به ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و تمرکز بیش از حد به سود می‌تواند باعث گمراهی سرمایه‌گذاران شود؛ ازاین‌رو فرضیه‌های این پژوهش به‌قرار ذیل تعریف می‌شود.

فرضیه شماره ۱: برای شرکت‌هایی که کاهش آینده پیش‌دریافت را گزارش کرده‌اند، تمرکز بیش از حد سرمایه‌گذاران به سود باعث اخلاص در قضاوت و تصمیم آن‌ها می‌شود.

فرضیه شماره ۲: تغییر الگوی ارائه صورت‌های مالی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران کمتر گرفتار تأثیر تمرکز بیش از حد به سود شوند.

فرضیه شماره ۳: تغییر الگوی ارائه صورت‌های مالی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند اطلاعات در رابطه با تغییر در بخش غیر نقدی سود را درک کنند.

فرضیه شماره ۴: تغییر الگوی ارائه صورت‌های مالی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند اطلاعات در رابطه با عناصر سود را ارزیابی کنند.

فرضیه شماره ۵: ارائه الگوی تغییر یافته صورت‌های مالی به سرمایه‌گذاران سبب می‌شود تا آن‌ها به بخش پایدار سود وزن بیشتری را تخصیص دهند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در زمره تحقیقات شبه آزمایشی قرار دارد. در این پژوهش برای ارزیابی تأثیر الگوی جدید ارائه اطلاعات بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران از روش درون آزمودنی^۱ استفاده

شده است. قلمرو پژوهش از حیث مکانی، افراد حاضر در نهادها و بازارهای مالی، و از حیث زمانی سال ۱۴۰۰ را در بر می گیرد. از نظر موضوعی، نیز جزء تحقیقات حسابداری رفتاری و نیز سرمایه گذاری قرار دارد.

برای بررسی فرضیات پژوهش و باتوجه به استفاده از روش شبه آزمایشی درون آزمودنی و باتوجه به در دسترس بودن افراد، طرح آزمایش برای ۱۶۰ نفر ارسال شد. این ۱۶۰ نفر طوری انتخاب شدند که فرایند انتساب تصادفی رعایت شود به طوری که این افراد از گروه های مختلف کاری، تحصیلاتی و جنسیتی انتخاب شدند. پس از ارسال طرح مربوط ۳۱ نفر از افراد در هر چهار سناریو مشارکت کردند که در مجموع ۱۲۴ نفر - پرسش نامه تکمیل شد که میانگین سن شرکت کنندگان، ۳۳/۸ سال، ۶۵ درصد آن ها مرد و ۳۵ درصد نیز زن بودند. تمام شرکت کنندگان تجربه مالی و حسابداری بودند و حداقل دارای مدرک کارشناسی حسابداری یا گرایش های مختلف مدیریت بودند.

برای تجزیه و تحلیل داده ها، معناداری تفاوت میانگین مقادیر متغیر مورد بررسی میان دو گروه آزمودنی (دارای صورت های مالی فعلی و صورت های مالی با الگوی یک پارچه) بررسی شد. به این منظور، ابتدا از آزمون کولموگوروف - اسمیرنف برای بررسی توزیع داده ها استفاده شده است. چنانچه سطح معناداری آماره این آزمون از ۵٪ بزرگتر باشد، داده ها دارای توزیع نرمال و در غیر این صورت غیر نرمال خواهند بود (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۰). چنانچه داده ها از توزیع نرمال برخوردار باشند، از روش تجزیه و تحلیل واریانس برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است. در صورت نرمال نبودن توزیع مشاهدات، آزمون من - ویتنی، که یک آزمون ناپارامتریک است، به کار گرفته شده است. در صورت کمتر بودن معناداری آماره F در تجزیه و تحلیل واریانس و یا معناداری آماره آزمون من - ویتنی از سطح خطای ۵٪، فرضیه های پژوهش پذیرفته و در غیر این صورت رد شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول و دوم

نتایج آزمون این فرضیات در جدول شماره ۱ خلاصه شده است که باتوجه به معناداری آماری کمتر از ۵ درصد فرضیه نرمال بودن مورد پذیرش قرار نگرفته و برای بررسی این فرضیه از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است. از آنجا که مقایسه چهار گروه مدنظر است، از آزمون کروسکال والیس^۱ یا آزمون H استفاده شده است. باتوجه به نتایج آزمون شرکت‌کنندگان در حالت پایداری کم - الگوی ارائه فعلی نسبت به حالت پایداری زیاد - الگوی ارائه فعلی عملکرد شرکت ب را بهتر ارزیابی می‌کنند؛ هم‌چنین در حالت پایداری کم الگوی ارائه باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند اطلاعات مربوط را ارزیابی کنند و عملکرد شرکت ب را بهتر ارزیابی کنند وزن کمتری (۱۶/۰۳) به شرکت ب اختصاص دهند؛ هم‌چنین باتوجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، هر دو فرضیه شماره ۱ و ۲ پذیرفته می‌شود؛ بنابراین همان‌طور که نتایج آزمون کروسکال والیس نیز نشان می‌دهد چگونگی ارائه با در نظر گرفتن پایداری سود بر روی تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین باتوجه به این امر که سرمایه‌گذاران در حالت الگوی فعلی - پایداری کم نسبت به حالت الگوی یکپارچه - پایداری کم وزن بیشتری را به شرکت ب تخصیص می‌دهند می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه شماره یک که بر روی گمراه‌شدن سرمایه‌گذاران از طریق تأثیر اقلام تعهدی است مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ازسوی دیگر باتوجه به این امر که در حالت یکپارچه سرمایه‌گذاران وزن بیشتری به شرکت الف نسبت ب داده‌اند، بنابراین فرضیه شماره دو نیز پذیرفته می‌شود.

1. Kruskal-Wallis

جدول ۱: نتایج آزمون فرضیه شماره یک و دو

آمار توصیفی - سرمایه‌گذاری در شرکت ب						
پایداری سود						الگوهای ارائه
کم			زیاد			
انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات	انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات	
۲۹۶	۶,۵۴۸	۳۱	۱۷۲	۲,۸۷۱	۳۱	فعلی
۱۸۶	۲,۸۳۹	۳۱	۱۳۴	۲,۹۰۳	۳۱	یکپارچه
۲۹۴	۴,۶۹۴	۶۲	۱۰۸	۲,۸۸۷	۶۲	مجموع
آزمون نرمال بودن داده‌ها						
آزمون شاپیرو - ویلک			آزمون کولموگرف - اسمیرنف			نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	
۰,۰۲۶	۳۱	۰,۹۲۲	۰,۰۱۵	۳۱	۰,۱۷۶	الگوی فعلی - پایداری کم
۰,۰۰۳	۳۱	۰,۸۸۶	۰,۰۰۱	۳۱	۰,۲۲۱	الگوی فعلی - پایداری زیاد
۰,۰۱۶	۳۱	۰,۹۱۳	۰,۰۰۱	۳۱	۰,۲۱۲	الگوی یکپارچه - پایداری کم
۰,۰۰۰	۳۱	۰,۸۱۴	۰,۰۰۰	۳۱	۰,۲۸۷	الگوی یکپارچه - پایداری زیاد
آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis) یا آزمون H						
سطح معناداری (Sig)		درجه آزادی		آماره کروسکال والیس (Kruskal-Wallis)		
۰,۰۰۰		۳,۰۰۰		۶۲,۹		

نتایج آزمون فرضیه سوم

همان‌طور که اشاره شد در این فرضیه به این موضوع پرداخته شده است که افشای صورت‌های مالی به شکل یک‌پارچه چگونه می‌تواند بر ارزیابی سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. نتایج پاسخ شرکت کنندگان به این فرضیه در جدول شماره ۲ خلاصه شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود در الگوی فعلی ۸ نفر (۲۶ درصد) به صورت صحیح به سؤالات مربوط پاسخ داده‌اند؛ در حالی که در الگوی یکپارچه ۲۵ نفر (۸۱ درصد) به این موضوع به درستی پاسخ داده‌اند؛ اما با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد آزمون خی دو این فرضیه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه شماره ۳

آمار توصیفی - شرکت ب			
الگوهای ارائه	پاسخ صحیح	پاسخ غلط	مجموع
فعلی	۸	۲۳	۳۱,۰۰
یک‌پارچه	۲۵	۶	۳۱,۰۰
آزمون خی دو (Chi-square)			
آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری (Sig)	
۰,۲۵۹	۱	۰,۶۱	

نتایج آزمون فرضیه چهارم

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه چهارم در جدول ۳ گزارش شده است. برای بررسی این موضوع، ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته شد. با توجه به نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرنف که در جدول شماره ۴ خلاصه شده است و با توجه به معناداری آماری بیشتر از ۵ درصد فرضیه نرمال بودن مورد پذیرش قرار می‌گیرد؛ بنابراین برای بررسی این فرضیه نیز از آزمون آنووا استفاده شده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت شرکت‌کنندگان در حالت الگوی فعلی - پایداری کم وزن بیشتری را به شرکت ب نسبت به حالت یک‌پارچه - پایداری کم اختصاص داده‌اند؛ بنابراین فرضیه شماره ۴ نیز پذیرفته شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه شماره چهار

آمار توصیفی					
پایداری سود					
کم			زیاد		
انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات	انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات
۰,۴۹	۱۲,۵۸	۳۱	۰,۳۴	۱۱,۷۱	۳۱
۰,۲۲	۷,۱۹	۳۱	۰,۲۷	۱۱,۸۷	۳۱
۰,۴۴	۹,۸۹	۶۲	۰,۲۲	۱۱,۷۹	۶۲
آزمون نرمال بودن داده‌ها					
آزمون شاپیرو-ویلک			آزمون کولموگروف-اسمیرنف		
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره
۰,۶۳۹	۳۱	۰,۹۷۴	۰,۲۷۴	۳۱	۰,۱۰۸
۰,۰۹۸	۳۱	۰,۹۴۳	۰,۱۱۷	۳۱	۰,۱۴۱
۰,۰۰۳	۳۱	۰,۸۸۷	۰,۰۰۰	۳۱	۰,۲۶۱
۰,۰۶۳	۳۱	۰,۹۳۶	۰,۰۸۸	۳۱	۰,۱۴۷
آزمون آنووا (ANOVA)					
سطح معناداری (Sig)	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰,۰۰	۵۰,۴۲	۱۸۷,۵۱	۳	۵۶۲,۵۲	

نتایج آزمون فرضیه پنجم

نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۴ خلاصه شده است. در ابتدا برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنف استفاده شده است، که باتوجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره این آزمون فرضیه نرمال بودن مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. از آنجا که مقایسه چهار گروه مدنظر است از آزمون کروسکال والیس یا آزمون H استفاده شده است، نتایج این آزمون در جدول ۴ خلاصه شده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت

شرکت کنندگان در حالت الگوی فعلی - پایداری کم وزن کمتری را به بخش نقدی سود نسبت به حالت یک‌پارچه - پایداری کم اختصاص داده‌اند؛ بنابراین فرضیه شماره ۵ در این بخش پذیرفته می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه شماره پنج

آمار توصیفی						
پایداری سود					الگوهای ارائه	
کم			زیاد			
انحراف معیار	میانگین	تعداد مشاهدات	انحراف معیار	میانگین		
۳,۵۸	۴۶,۷۷	۳۱	۳,۱۶	۵۶,۴۵	۳۱	فعلی
۴,۳۷	۱۰۸,۰۶	۳۱	۷,۴۵	۶۲,۴۲	۳۱	یک پارچه
۴,۸۲	۷۷,۴۲	۶۲	۴,۰۳	۵۹,۴۴	۶۲	مجموع
آزمون نرمال بودن داده‌ها						
آزمون شاپیرو-ویلک			آزمون کولموگروف-اسمیرنف			نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	
۰,۴۳۷	۳۱	۰,۹۶۷	۰,۰۹۳	۳۱	۰,۱۴۵	نگوی فعلی - پایداری کم
۰,۰۷۸	۳۱	۰,۹۳۹	۰,۰۰۵	۳۱	۰,۱۹۳	نگوی فعلی - پایداری زیاد
۰,۰۱۴	۳۱	۰,۹۱۲	۰,۰۱۵	۳۱	۰,۱۷۷	نگوی یکپارچه - پایداری کم
۰,۰۰۰	۳۱	۰,۵۱۶	۰,۰۰۰	۳۱	۰,۲۷۱	نگوی یکپارچه - پایداری زیاد
آزمون کروسکال والیس (Kruskal-Wallis) یا آزمون H						
سطح معناداری (Sig)		درجه آزادی		آماره کروسکال والیس (Kruskal-Wallis)		
۰,۰۰۰		۳		۵۸,۵۳۹۱		

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر روی یک‌پارچگی اطلاعات صورت‌های مالی تمرکز شد. بدین منظور چگونگی ارائه صورت‌های مالی از طریق اضافه کردن اطلاعات عناصر سود ذیل صورت سود و زیان تغییر کرد و با الگوی ارائه فعلی با یکدیگر مقایسه شده است. برای بررسی فرضیات این

پژوهش باتوجه به سویه توجه محدود سرمایه گذاران، تثبیت کارکردی سود و ناهنجاری های اقلام تعهدی از روش شبه آزمایشی درون آزمودنی استفاده شده است و آزمایش مربوط طوری طراحی شد که در این آزمایش با دست کاری پایداری سود از طریق پیش دریافت ها، اقدام به بررسی فرضیات تحقیق شود. همان طور که اشاره شد ۶۴ نفر پرسش نامه در این پژوهش مشارکت کردند به طوری که باتوجه به روش شبه آزمایشی درون آزمودنی هر یک از این شرکت کنندگان در هر چهار حالت (۱. الگوی فعلی - پایداری کم ۲. الگوی فعلی - پایداری زیاد ۳. الگوی یک پارچه - پایداری کم ۴. الگوی یک پارچه - پایداری زیاد) قرار گرفتند. شرکت کنندگان در این تحقیق نقش سرمایه گذارانی را بازی می کنند که در هر یک از حالات با دو انتخاب سرمایه گذاری در شرکت الف و ب روبه رو هستند. صورت های مالی شرکت الف در تمام سناریوها ثابت بوده و دست کاری بر روی اعداد و ارقام آن صورت نگرفته است و تنها الگوی ارائه اطلاعات شرکت الف تغییر کرده است. در نقطه مقابل صورت های مالی شرکت ب علاوه بر چگونگی ارائه، از لحاظ پایداری سود از طریق اقلام پیش دریافت دست کاری شده است، به طوری که در حالت پایداری کم، سود شرکت نسبت به سنوات گذشته افزایش چشمگیری داشته است و در حالت پایداری زیاد روند رشد سود شرکت ب طبیعی بوده است. نتایج بررسی فرضیات این پژوهش به صورت خلاصه به شرح ذیل بیان می شود.

فرضیه شماره یک به این موضوع پرداخت؛ زمانی که پیش دریافت شرکت نسبت به سنوات گذشته کاهش یافته و این کاهش با افزایش در سود همراه بوده است، استفاده کنندگان به دلیل گرفتار شدن در ناهنجاری های اقلام تعهدی و هم چنین سویه تمرکز بیش از حد به سود، نمی توانند ناشی از تعهدی بودن این افزایش سود را درک کنند؛ بنابراین در قضاوت و تصمیم گیری خود دچار اشتباه می شوند. هم چنین فرضیه شماره دو بر مبنای موارد اشاره شده فرض می کند که ارائه صورت های مالی به شکل یک پارچه می تواند باعث کاهش تأثیر ناهنجاری های اقلام تعهدی و سویه تمرکز بیش از حد به سود شود. نتایج پاسخ به سؤالات این فرضیه نشان می دهد که استفاده کنندگان در حالت پایداری کم - الگوی ارائه فعلی باتوجه به عدم درک تأثیر اقلام تعهدی و هم چنین به دلیل گرفتار شدن در سویه تمرکز بیش از حد به سود نمی توانند به درستی تصمیم گیری و قضاوت کنند و در سؤالات طراحی شده تحقیق بیشتر بر روی شرکت ب تمرکز

کرده‌اند و وضعیت شرکت ب را نسبت به شرکت الف بهتر ارزیابی کرده‌اند؛ بنابراین فرضیه شماره یک پژوهش تأیید شده است. هم‌چنین ارائه الگوی یک‌پارچه شده سبب شده است که استفاده‌کنندگان نسبت به نقش اقلام تعهدی در رشد سودآوری شرکت ب آگاه شده و وزن کمتری به شرکت ب در ارزیابی و قضاوت‌های خود تخصیص دهند؛ بنابراین فرضیه شماره دو نیز با بررسی پاسخ شرکت‌کنندگان مورد پذیرش قرار گرفته است.

فرضیه شماره سه به این موضوع می‌پردازد که آیا ارائه الگوی یک‌پارچه می‌تواند باعث شود تا استفاده‌کنندگان بر روی بخش غیر نقدی سود تمرکز کنند. برای بررسی این فرضیه نیز از استفاده‌کنندگان در ارتباط با روند حرکت جریان نقد عملیاتی شرکت ب سؤال شده است. نتایج نشان می‌دهد که از ۳۱ نفر پرسش‌نامه در حالت الگوی فعلی تنها ۸ نفر (۲۵ درصد) به‌درستی به سؤال پاسخ داده‌اند، در حالی که در الگوی یک‌پارچه شده از ۳۱ نفر پرسش‌نامه، ۲۵ نفر (۸۱ درصد) به‌درستی به سؤالات پاسخ داده‌اند؛ اما با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد آزمون خی دو این فرض مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه شماره چهار به این موضوع می‌پردازد که آیا تغییر الگوی صورت‌های مالی و حرکت به سمت الگوی یک‌پارچه باعث درک بهتر عناصر سود توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌شود. نتایج بررسی این فرضیه نشان می‌دهد که ارائه صورت‌های مالی یک‌پارچه باعث درک بهتر اطلاعات صورت‌های مالی می‌شود.

نهایتاً فرضیه شماره پنج بر روی بحث پایداری تمرکز کرده است و به این موضوع می‌پردازد که آیا ارائه الگوی یک‌پارچه باعث می‌شود که استفاده‌کنندگان بهتر بتوانند بخش پایدار را از بخش ناپایدار سود تمیز دهند. نتایج بررسی سؤالات این فرضیه نیز حاکی از پذیرش این فرضیه است.

بنابراین با توجه به بررسی نتایج آزمون فرضیات این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که ارائه الگوی یک‌پارچه باعث می‌شود که بدون در نظر گرفتن محتوای اطلاعاتی، اطلاعات افشاشده، صرفاً فقط از طریق چگونگی ارائه اطلاعات بتوان تأثیر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و هم‌چنین سویه توجه محدود سرمایه‌گذاران و تأثیر تثبیت کارکردی سود را کاهش داد؛ بنابراین الگوی یک‌پارچه نسبت به الگوی فعلی برتری دارد و باعث اثربخشی و کارایی فرایند قضاوت و

تصمیم می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد در این پژوهش بر روی تأثیر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی، سویه توجه محدود سرمایه‌گذاران و تأثیر تثبیت کارکردی سود تمرکز شد و نتایج تحقیق نشان داد که تغییر الگوی ارائه اطلاعات (الگوی یک‌پارچه) می‌تواند باعث بهبود قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران شود که این نتیجه با یافته‌های کیدا و اسمیت (۱۹۹۵)، هاگ و همکاران (۲۰۰۴)، کلتون و پنینگ تون (۲۰۱۲) و غنی و همکاران (۲۰۱۲) که به بررسی تأثیر تغییر الگوی ارائه صورت‌های مالی (استفاده از XBRL و هایپرلینک و الگوهای الکترونیکی) بر تلاش شناختی و کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان پرداختند، سازگار است. به طوری که آن‌ها نتیجه گرفتند این تغییر باعث کاهش تلاش شناختی و تثبیت کارکردی و نهایتاً افزایش کیفیت قضاوت و تصمیم می‌شود. هم‌چنین نتایج این پژوهش با تحقیق هوویت (۲۰۰۹) و لی ژینگ (۲۰۱۴) نیز سازگار است که در پژوهش خود نشان دادند که جداسازی سود به بخش نقدی و تعهدی باعث کاهش تأثیر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی و سویه تمرکز بیش از حد به سود می‌شود و نهایتاً آن‌ها نتیجه گرفتند که این جداسازی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند عملکرد شرکت را در آینده قضاوت کنند.

محدودیت‌ها

در این پژوهش روش‌شناسی آزمایشگاهی به‌منظور بررسی فرضیه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در روش‌شناسی آزمایشگاهی سناریوهای ازپیش‌تعیین‌شده در نظر گرفته می‌شود که مبتنی بر مفروضات مشخصی است. به همین دلیل ممکن است شرایط آزمایش به‌طور کامل منعکس‌کننده محیط واقعی نبوده و این موضوع از اعتبار روایی خارجی بکاهد.

علاوه بر این، سعی بر آن است در ارائه طرح آزمایش تا حد امکان ساده‌سازی انجام گیرد تا از این طریق روایی داخلی پژوهش افزایش یابد، در حالی که در محیط واقعی متغیرهای زیادی وجود دارد که می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیرگذار باشد و آن‌ها نسبت به آن واکنش متفاوتی نشان دهند.

توماس (۲۰۰۴) بیان می‌کند در رویکرد آزمایشی مسئله اصلی پژوهشگر بررسی رابطه علی میان متغیرهای پژوهش است و معمولاً پژوهشگر فرضیه‌های نظری در دست دارد که روابط میان

متغیرها را پیش‌بینی می‌کند. به‌منظور دستیابی به روابط علی و معلولی، موضوع مورد بررسی تا حد ممکن جزئی شده است. به‌عبارت دیگر زمانی که موضوع مورد بررسی گسترده باشد، علاوه بر دشواری در کنترل عوامل تأثیرگذار، دشواری در درک موضوع توسط افراد مورد بررسی روایی درونی پژوهش را کاهش می‌دهد. در این پژوهش نیز از آنجاکه حوزه ارائه اطلاعات صورت‌های مالی بسیار گسترده است، به‌منظور دستیابی به نتیجه بهتر، الگوهای ارائه محدود به دو الگوی ارائه شده است.

بخش عمده‌ای از آزمون‌شوندگان در این پژوهش، دارای حداقل مدرک کارشناسی حسابداری یا گرایش‌های مدیریت بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل در توجه به این امر این موضوع بوده است که آزمون‌شوندگان باید دانش اولیه‌ای از گزارش‌های مالی داشته باشند. این در حالی است که این کثرت در میان آزمون‌شوندگان نیز می‌تواند خود به پیامدهای تأثیرگذار و خارج از کنترل بر نتایج تحقیق منجر شود.

به‌رغم محدودیت‌های اشاره‌شده، این پژوهش مزایایی نیز دارد. اولین مزیت استفاده از روش آزمایشی در این پژوهش است، به‌طوری‌که در رشته حسابداری پژوهش‌ها در این حوزه اندک است. دومین مزیت استفاده از نظریه بار شناختی در ادبیات حسابداری و مالی است که این پژوهش جز اولین تحقیقات در این حوزه است و نهایتاً بیشتر پژوهش‌های حسابداری بر روی محتوای اطلاعات ارقام حسابداری تمرکز می‌کنند، در حالی که در این تحقیق بر روی چگونگی ارائه اطلاعات صرف‌نظر از محتوای اطلاعاتی تمرکز شده است.

پیشنهادهای کاربردی

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده از فرضیات پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر مطرح شده است:

- یکی از یافته‌های اصلی این پژوهش تأثیر نقش شکل ارائه اطلاعات بر روی کیفیت قضاوت و تصمیم است. به‌طورکلی نتایج این پژوهش نشان داد که افزایش یک‌پارچگی و بهبود طبقه‌بندی اطلاعات سبب می‌شود تا استفاده‌کنندگان از اطلاعات بهتر بتوانند تصمیم‌گیری کنند و در نتیجه حسابداران به‌عنوان تهیه‌کنندگان اطلاعات باید به این مطلب توجه شگرفی داشته باشند؛ حسابداران برای فراهم کردن اطلاعات مربوط باید شکلی از اطلاعات را ارائه کنند که بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری افراد بگذارد.

۲. همان‌طور که اشاره شد نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی ارائه می‌تواند بر قضاوت و تصمیم استفاده‌کنندگان تأثیر بگذارد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود نهادهای حرفه‌ای حسابداری و سازمان بورس اوراق بهادار باتوجه به نتایج این پژوهش اقدام به اصلاح ساختار ارائه صورت‌های مالی کنند.

۳. باتوجه به موارد یادشده، به نظر می‌رسد ارائه اطلاعات به‌عنوان الگوی مکمل در سامانه جامع ناشران (codal) می‌تواند به افزایش دقت افراد در تصمیم‌گیری منجر شود. از این‌رو پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار باتوجه به نتایج این پژوهش در کارایی و اثربخش بودن الگوی یک‌پارچه، شرکت‌ها را ملزم کند تا در سامانه جامع ناشران (codal) الگوی پیشنهادی این مطالعه را به‌عنوان الگوی مکمل افشا کنند.

۴. نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی بهینه ارائه اطلاعات در کاهش سویه توجه محدود سرمایه‌گذاران بسیار می‌تواند راهگشا باشد، به‌طوری که الگوی ارائه بهینه می‌تواند در کاهش این سویه و اثر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی مؤثر بوده و نهایتاً تلاش شناختی افراد را کاهش دهد.

۵. یکی دیگر از نتایج کاربردی این پژوهش برای تحلیل‌گران صورت‌های مالی شرکت‌ها است. تحلیل‌گران عموماً افرادی هستند که به پیش‌بینی سود شرکت می‌پردازند. برای پیش‌بینی سود شرکت، یکی از بخش‌های بااهمیت که باید به آن توجه شود، جداسازی بخش نقدی و تعهدی سود است. شکل ارائه اطلاعات به‌صورت یک‌پارچه و منسجم‌شده می‌تواند در افزایش دقت پیش‌بینی سود توسط آن‌ها مؤثر باشد.

۶. همان‌طور که اشاره شد وجود اقلام تعهدی زودگذر در سود، آثار نامطلوبی بر ثروت سرمایه‌گذاران برجای می‌گذارد و باعث خطا در قضاوت و تصمیم‌گیری آن‌ها می‌شود. با عنایت به این امر و نتایج آزمون فرضیات این پژوهش، مبنی بر اثر ناهنجاری‌های اقلام تعهدی بر قضاوت و تصمیم استفاده‌کنندگان، به استفاده‌کنندگان نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود تا در تحلیل اطلاعات سود شرکت‌ها به آثار ناهنجاری‌های اقلام تعهدی در پیش‌بینی سود آینده شرکت، کاهش امکان اتکای اطلاعات و نهایتاً بروز آثار نامطلوب بر ثروت آنان توجه کنند.

پیشنهادهای پژوهش‌های آینده

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موضوعات ذیل برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود:

- از آنجا که این پژوهش در حوزه تحقیقات رفتاری قرار می‌گیرد و بر روی سویه توجه محدود سرمایه‌گذاران متمرکز شده است، پیشنهاد می‌شود تا دیگر پژوهشگران به بررسی تأثیر الگوی پیشنهادی این تحقیق بر روی دیگر سویه‌های رفتاری بپردازند.
- از آنجا که طیف استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی گسترده است، پیشنهاد می‌شود تا دیگر محققان با جداسازی استفاده‌کنندگان به گروه‌های مختلف، تأثیر الگوی پیشنهادی این پژوهش بر آنها را بررسی کنند.
- از آنجا که طیف الگوهای ارائه اطلاعات صورت‌های مالی گسترده است، پیشنهاد می‌شود تا نتایج این پژوهش با دیگر الگوهای ارائه توسط دیگر پژوهشگران مقایسه شود.
- انجام آزمایش این پژوهش به تفکیک صنایع مختلف، باتوجه به این امر که ساختار سود و زیان این صنایع متفاوت است که این امر می‌تواند در تحلیل بهتر و بیشتر نتایج مؤثر باشد.
- این پژوهش بر روی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی تمرکز کرده است؛ بنابراین باتوجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که به بررسی تأثیر ارائه الگوهای مختلف گزارشات درون‌سازمانی (مدیریتی) بر قضاوت و تصمیم‌گیری مدیران شرکت‌ها پرداخته شود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- احمدی، مسعود (۱۳۹۱)، روش تحقیق (اصول و مفاهیم با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی)، تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
- اسلامی بیدگلی، غلام‌رضا و حمیدرضا کردلویی (۱۳۸۹)، مالی رفتاری، مرحله گذر از مالی استاندارد تا نوروفاینانس، فصلنامه علمی - پژوهشی مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، (۱۱): ۱۹ - ۳۶.
- امیری، میثم (۱۳۹۲)، اقتصاد رفتاری و بینش سیاستگذاری عمومی، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- خوش‌طینت، محسن (۱۳۷۷)، اثرات ارائه صورت‌های مالی بر قضاوت سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۲۴ و ۲۵.
- خوش‌طینت، محسن و رافیک باغومیان (۱۳۸۲)، تأثیر نحوه ارائه اطلاعات و میزان پردازش اطلاعات بر کیفیت تصمیم‌گیری، مطالعات مدیریت، ش ۳۷ و ۳۸.
- رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۹۲)، اقتصاددانان رفتاری و نظریه‌های آنها، مجله علمی پژوهشی برنامه و بودجه، ش ۲۰.
- مؤمنی، منصور و فعال قیومی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، تهران: مؤلف.

منابع انگلیسی

- Bloomfield, R., Hodge, F. D., Hopkins, P. E., & Rennekamp, K. (2010). Does classifying and disaggregating financial statement information help credit analysts recognize firms' cost structures? Working Paper.
- Bouwman, M. (1982). The use of accounting information: Expert vs. novice behavior. In G. Ungson & D. Braunstein (Eds.), Decision Making: An Interdisciplinary Inquiry. Boston: Kent.
- Clor-Proell, S. M., Proell, C. A., & Warfield, T. D. (2013). The Effects of Presentation Salience and Measurement Subjectivity on Nonprofessional Investors' Fair Value Judgments. Contemporary Accounting Research, forthcoming.
- Dull, R.B; Graham, A.W and Baldwin, A.A. (2003). "Web-based Financial Statements: Hyperlinks to Footnotes and their Effect on Decisions", International Journal of Accounting Information Systems, 4, pp 185-203.
- Ghani, E. K., Laswad, F., & Tooley, S. (2011). Functional fixation: Experimental evidence on the presentation of financial information through different digital formats. The British Accountin Review, 43(3), 186-199.
- Ghani, E. K., Laswad, F., Tooley, S., & Jusoff, K. (2009). The Role of Presentation Format on Decision-makers' Behaviour in Accounting. International Business Research, 2(1), 183-195.
- Hewitt, M. (2009). Improving Investors' Forecast Accuracy when Operating Cash Flows and Accruals Are Differentially Persistent. The Accounting Review, 84(6), 1913-1931.

- Hirst, D. E., & Hopkins, P. E. (1998). Comprehensive Income Reporting and Analysts' Valuation Judgments. *Journal of Accounting Research*, 36(Suppl.), 47-75.
- Hodge, F. D., Kennedy, J. J., & Maines, L. A. (2004). Does Search-Facilitating Technology Improve the Transparency of Financial Reporting? *The Accounting Review*, 79(3), 687-703.
- Hopkins, P. E. (1996). The effect of financial statement classification of hybrid financial instruments on financial analysts' stock price judgments. *Journal of Accounting Research*.
- ITAC, Investors Technical Advisory Committee. (2009). Response to IASB/FASB's discussion paper, "Preliminary Views on Financial Statement Presentation". July 1.
- Kelton, A. S., & Pennington, R. R. (2012). Internet financial reporting: The effects of information presentation format and content differences on investor decision making. *Computers in Human Behavior*, 28(4), 1178-1185.
- Kida, T., & Smith, J. F. (1995). The encoding and retrieval of numerical data for decision making in accounting contexts: Model development. *Accounting, Organizations and Society*, 20(7/8), 585-610.
- Libby, R., Bloomfield, R., & Nelson, M. W. (2002). Experimental research in Accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 27, 775-810.
- Luft, J. L., & Shields, M. D. (2001). Why does fixation persist? Experimental evidence on the judgment performance effects of expensing intangibles. *The Accounting Review*, 76(4), 561-587.
- Nissim, D., & Penman, S. H. (2001). Ratio Analysis and Equity Valuation- From Research to Practice. *Review of Accounting Studies*, 6(1), 109-154.
- Pompian, M. M. (2006). *Behavioral Finance and Wealth Management*. Translated into Persian by Badri, A. Tehran: Keyhan Publication co.
- Waller, W., & Felix, W. L. J. (1984). The Auditor and Learning from Experience: Some Conjectures. *Accounting, Organizations and Society*, 9(3-4), 383-406.
- Zingg, Lea, (2014) The Role of Financial Statement Presentation Format in Non-professional Investors' Judgment and Decision Making: The Effects of Cohesiveness and Classification of Financial Items.

